

درگر امیداشت قربانیان بم

بار دیگر فاجعه ای دهشتناک در نقطه دیگری از ایران، اینبار در بم، ما را در غمی جانکاه فرو برد، اینبار ابعاد فاجعه قابل مقایسه با دوره های پیش نبود، آری وسعت تخریب و تعداد تلفات، آن را از فجایای قبلی متمایز میسازد. اخبار متناقضی از رسانه ها دریافت کرده ایم، آمار رسمی ارائه شده تعداد کشتگان را ۳۰ هزار نفر اعلام کرده اند، خبرگزاری کار ایران (ایلنا) این تعداد را به نقل از یکی از اعضای ستاد بحران در منطقه بم بیش از ۵۰۰۰۰ نفر اعلام کرده است. با این اوصاف بیش از نیمی از مردم مصیبت زده بم در این فاجعه جان باخته اند و نیمی دیگر زخمی و بی خانمانند. ایرانیان نیز کمافی السابق کمک های بی دریغ خویش را نثار مردم بم کرده اند، مضاف بر اینکه اینبار بسته به عمق فاجعه و تعداد تلفات این حمایتها از گستردگی خاصی برخوردار بود، حمایتهای غیر نقدی مردمی به حدی بوده است که مسئولان خواستار توقف این کمک ها شده اند و به جای آن خواهان کمک های نقدی هستند. خبرها حاکی است، مبلغ کمکهای ایرانیان خارج از کشور ۹۰۰۰۰۰ دلار را شامل میشود.

در این خصوص بیش از ۷۰ کشور خارجی مبالغ قابل توجهی را به زلزله زدگان اختصاص داده اند، که فقط یک نمونه بارز آن ۴۰۰ میلیون دلار از سوی شورای همکاری خلیج بوده است. کارشناسان امر میگویند، با این مبالغ چندین شهر از نوع بم را میتوان مطابق با استانداردهای جهانی و با تمام امکانات احداث کرد. همانند دوره های پیش بیشتر مردم عملکرد عوامل توزیع کمکهای نقدی و غیر نقدی را بدبینانه دنبال میکنند، که کاملاً حق دارند، چرا که قبلاً همین کمکها سر از بازار سیاه درآورده است. بر مبنای همین عملکرد نیز اعتقاد داریم تا زمانی که هیچ نظارتی از سوی کشورهای کمک کننده اعمال نشود، نمیتوان فرجام مناسبی برای این حمایتها متصور بود.

اما جانکاه تر از هر چیز، نوع عملکرد و برخورد مسئولان حکومتی با این مصیبت است، امدادگران خارجی و داخلی از نبود سازماندهی مناسب آنان برای خارج کردن افراد زنده در زیر آوار میگویند، آنان اظهار میدارند، اگر سازماندهی به خوبی صورت میگرفت، تعداد بیشتری را زنده از زیر آوار خارج میکردند. دولت با اعلام اینکه دیگر نیازی به حضور پزشکان خارجی نیست از ادامه حضور آنان جلوگیری میکند. بیشتر مسئولان آن را تقدیر و امتحان الهی و برخی دیگر چون شهردار تهران اظهار میدارد: باید دعا کنیم که زلزله به تهران نیاید و اضافه میکند، باید از ساخت و سازهای غیرقانونی به شدت جلوگیری کرد. با توجه به اینکه بیشترین تخریب در بخش شرقی بم، یعنی بخش کارگر نشین آن صورت گرفته است، ما کارگران از ایشان و دیگر مسئولان حکومتی میپرسیم: چرا این تقدیر و امتحان مردم

ژاپن و آمریکا را شامل نمیشود؟ در این مصیبت کده از ما مالیات و عوارض دیگر کسر میشود که در مقابل از جانب حکومت سرویس لازم در اختیار مردم قرار گیرد، مردمی که از حداقل معیشت برخوردار نیستند چگونه میتوانند سرپناه محکمی برای خانواده خویش مهیا کنند، خوب است آقای احمدی نژاد و دیگر مسئولان اگر ریگی به کفششان نیست (که هست) کمی به خود زحمت دهند و پاسخ دهند، آیا ما قرار است در این کشور هم تولید کنیم، هم مالیات دهیم، هم تاوان بی کفایتی مدیران را در کارخانجات پس دهیم، هم اخراج شویم و هم زیر آوار بمانیم، و در نهایت متهم شویم که سرپناهی که ساخته ایم ایمن نبوده است! عمده شهرکهای مسکونی و مناطق کارگری از حداقل امکانات ایمنی برخوردار است، ناگفته پیداست که ساکنین این مناطق اولین قربانیان زلزله های بعدی خواهند بود، عمده ترین خواسته کارگران در این خصوص میتواند ایمن سازی مسکن آنان از سوی دولت باشد.

به باور ما استانداردهای زندگی امروزی یعنی اینکه شهروند هر کشوری باید کار و تولید کند، مالیات دهد، و به همان نسبت ارزشهای ایجاد شده توسط آن شهروند از طریق سرویس دهی حاکمان آن کشور بصورت تامین مسکن، بهداشت، درمان و ضروریات دیگر زندگی در اختیار او قرار گیرد و این حداقل های شناخته شده استانداردهای جهانی است که مسئولان سنگ آن را به سینه میزنند. باید به مسئولان گوشزد کنیم، مهار کردن بلایای طبیعی همچون سیل، طوفان، زلزله و نظایر اینها وظیفه کسانی است که بر مردم حکومت میکنند، زلزله زدگان بم میپرسند، در حالیکه از ۹۵۰۰۰ تخته چادر اهدائی مردم خراسان چرا فقط ۳۰ هزار تخته بدستشان رسیده است، مردم رودبار، زنجان، اردبیل و طبس هم همین سوال را از مسئولان دارند، آنان نیز از کمکهای نقدی و حمایتهای دیگر کشورهایی که هنوز بدستشان نرسیده سوال میکنند، این همه کمکهای نقدی به کدام حساب واریز شده است، چه مقدار از این حمایتها بدست مردم بم خواهد رسید. برحسب تجارب گذشته در این دیار بهترین زمان برای غارت و چپاول مردم مصیبت زده، مواقعی است که حادثه ای اینچنین ظاهر میشود، هر کس بسته به موقعیتش از این غنایم سهمی میخواهد، راهزنان جاده زاهدان- بم، باند سرقت کودکان که شیخ نشینان خلیج مشتری پر و پاقرص آنانند (روزنامه شرق ۱۷ دی خبر از مفقود شدن ۲۰۰۰ کودک در بم میدهد) و در نهایت حسابهای خاص بانکی همه و همه سهم خویش را طلب میکنند. بی اعتمادی این مردم را حد و مرزی نیست، ما مسئولان طراز اول مملکت را عامل این همه تلفات و بی خانمانی مردم میدانیم، کشوری که در کمربند زلزله قرار دارد، کشوری که ۸۵ درصد منازل مسکونی از ایمنی لازم در برابر زلزله برخوردار نیستند و به قول شما ۸۳ درصد مردم در معرض خطر قرار دارند، شما به عنوان مدیران این جامعه چه تمهیداتی اندیشیده اید، کدام بودجه مشخص و معین را به این کار اختصاص داده اید. در ایران هم میتوان همانند ژاپن شاهد زلزله ۸ یا ۹ ریشتری بود، بدون اینکه شیشه ای شکسته شود، یا از دماغ کسی خون بیاید، مردم بم

میتوانستند با اطمینان در خانه های خود باشند، بدون اینکه شاهد جان باختن عزیزان خود باشند، کودکان بمی هم اینک میتوانند در آغوش مادران خود باشند، شما آقایان! به راحتی این امکان ناچیز را از آنان سلب کردید شما مسئولان، چه اکنون و چه بعدها باید پاسخگوی این مصاعب باشید، هر چند ما مدتها است امیدی به پاسخگویی شما نداریم، این را سیل ها و زلزله های بعدی بیشتر اثبات خواهد کرد.

جمعی از کارگران صنایع تهران کرج